



درآمدی بر شناخت هنرهای سنتی ایران

جمشید مهرپویا

«هنرهای سنتی» به آن دسته از میراث وسیع فرهنگی بشر اطلاق می‌شود که سینه‌به‌سینه، و دست‌به‌دست انتقال یافته‌اند و از نسل‌های گذشته تا به امروز، به حیات ارزشمند خود ادامه داده‌اند. این آثار با ارزش که از پیشینیان، به صورت مکتوب و یا به صورت شیء، از طرق متفاوت به دست ما رسیده‌اند، نمایانگر برجستگی فکری، قوه‌ی ابتکار و طریقه‌ی زندگی انسان مقاوم در مسیر تاریخ هستند و همیشه ذوق و خلاقیت همراه با بیان عواطف و زیبایی، جزو خصیصه‌های آن‌هاست.

که با بررسی و شناخت آن‌ها، روحیات و خلقیات صاحبان آن‌ها پدیدار می‌شود. بدین سان، عبرتی بس دلپذیر و گران‌قدر از حرکت فرهنگی و هنری نسل‌های گذشته و در نتیجه هویت و شخصیت فرهنگی به دست می‌دهند. هنرهای سنتی، تداوم بخش یاکی‌ها، بی‌آلایشی‌ها و صداقت‌های خالصانه‌ی نیاکان ما محسوب می‌شوند و در برخورد با زندگی مادی، بی‌نیازی از دیگران را دربردارند.

ویژگی‌های هنرهای سنتی ایران

در سراسر تاریخ پر فراز و نشیب و پر از رویداد ایران که لبریز از شکست‌ها، پیروزی‌ها، کادیابی‌ها و ناکامی‌هاست، همواره پس از هر سقوط و افول، صعود و پیشرفت ثمربخشی وجود داشته و در این هنگامه، هنر بزرگ‌ترین مایه و خصیصه‌ی هر دوره و هدیه‌ی همیشگی هنرمندان

هنرهای سنتی مددکار حرکت انسان به سوی معنویت هستند و با تکیه بر نحوه‌ی بیان و زبان خود که ریشه در گذشته‌های انسان دارد، هنرمندان و صاحبان ذوق را به دنبال خود می‌کشند و در واقع، دیدگاه‌های فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی سازندگان خود را متجلی می‌سازند. از همین روست

ایرانی به تاریخ جهان بوده است.

آثار موجود هنرهای سنتی نشان می‌دهد که زندگی مردم ایران در تمام ادوار تاریخ، همواره با ذوق و سلیقه و زیباپرستی همراه بوده و کلیه وسایل مادی زندگی آنان از بزرگ و کوچک، و جزئی و کلی، با تزئینات و زیبایی دل‌غریب توأم بوده است. عشق به زیبایی و برگرفتن عبرت در تمام دوره‌ها، موضوع اساسی هنرهای سنتی این سرزمین به‌شمار می‌رود، چندان که دست‌های هنرمندان، همیشه و در همه‌جا، زیبایی طبیعی و چهره‌ی طبیعت را به‌صورت صُرح‌ها و نقش‌ها به کاشی‌ها و فرش‌ها، صفحات کتاب‌ها، بافته‌ها و... منعکس کرده‌اند.

خصیصه‌ی ویژه هنر ایران چیست؟ در درجه‌ی نخست، این هنر با زندگی پیوند نزدیک دارد و تار و پود آن از تجارب انسانی بافته شده است. آنچه را که ظاهر آبی مقدر و به اصطلاح بازاری است، می‌آراید و زیست می‌بخشد و به مقام والایی می‌رساند.

با نگاهی به هنرهای سنتی ایران درمی‌یابیم که اغلب هنرهای ایران جنبه‌ی عملی و انتفاعی داشته‌اند و جزو هنرهای صناعی محسوب می‌شدند. در نظر هنرمندان هنرهای سنتی ایران، میان هنرهای زیبای محض و هنرهای سنتی کمترین تفاوتی وجود نداشته است. آثار هنرهای سنتی در ایران، هم مفید فایده‌ای بوده‌اند و هم جنبه‌ی زیبایی و هنری در آن‌ها رعایت شده است. این جنبه‌های کاربردی و هنری توأم را نمی‌توان که اهمیت شمرد و یا خارج از حیطه‌ی هنر دانست. زیرا این قبیل اموال فرهنگی و اشیا و آثار هنری، ضمن آن‌که نیازهای روزمره را مرتفع می‌ساختند، دیدگان و ذوق صاحبان آن‌ها را نیز برای درک و فهم زیبایی پرورش می‌دادند.

هنرهای سنتی با زندگی، و انواع هنرها نیز با یکدیگر پیوند دارند. شیوه‌ی تجزیه و تقسیمی که امروز معمول است، شاید در گذشته از نظر هنرمند ایرانی حیرت‌آور بوده است. در آن زمان، هر هنری مشتق از هنر دیگر بوده است. غالباً موضوع نگارگری با سرودن شعر همسانی داشته و شاعر و نقاش هر یک نکاتی از الهامات خود را به دیگری القامی کردند. ایثار و فروتنی هنرمندان هنرهای سنتی حیرت‌آور است. آن‌ها در بند شهرت و نام خود نبودند. تنها یک امضا، آن هم با نام مستعار و با کوچک هنرمند، پای تابلوها بود. هنرهای سنتی



ایران، هنر گمنامی و بی‌نشانی بودند و بدین دلیل در صراحت، اعتبار و صداقت پیشرفت قابل توجهی کردند.

در گذشته، سطح هنرشناسی، هنردوستی و اشتغال به امور هنری در ایران، چه‌بسا از همه‌جا بیشتر بوده است. افتخاراتی که امروزه در این زمینه به مردم ایران تعلق دارد، نتیجه‌ی هوش، ذوق و استعداد، پشتکار و مهارت نیاکان ماست و باعث آندوه فراوان است که مکتب‌های هنری و فرهنگی جدید سبب شده‌اند. بسیاری از هنرمندان، با چنین سابقه‌ی درخشان و استواری، قطع رابطه کنند.

امروزه جامعه‌شناسان هنر اعتقاد دارند که یکی از پایه‌های تقویت، هنر هر سرزمین، ایجاد عشق و علاقه به هنرهای بومی و سنتی در میان مردم آن سرزمین است. به همین خاطر است، که ما در هر جای عالم باشیم، به محض دیدن یک تابلو میناتور و تذهیب، یک قطعه کاشی معرق، و یک قالی با طرح‌های اسلیمی و ختایی، به هنر و هنرمندان سرزمینمان می‌بالمیم و از تماشای آثار هنرهای سنتی ایران در نمایشگاه‌های جهانی، و بین‌المللی غرق در افتخار می‌شویم.

از سوی دیگر، هنرهای سنتی ایران برترین مبتنی هستند. از همان آغاز هنرمندان توانسته‌اند، نقوش و طرح‌هایی را که نشانه و کنایه از اشکال و آثار خارجی است، ارائه دهند و این شیوه از دیدگاه فلاسفه، امری اساسی و خاص ذهن بشری است. در این شیوه، مسائل خارج از ذهن با نقوش و طرح‌هایی معسور می‌شوند که آن‌ها را تعبیر و تفهیم می‌کنند. این گونه نقوش همان اشیا را به‌صورت انتزاعی نشان

نمی دهند، بلکه عواطف هنرمندان را جلوه گر می سازند. پیشرفت چشم گیر هنرهای ایرانی از دیدگاه های پژوهشی، آموزشی و آفرینشی در عصر ما نشان می دهد که خوش بختانه مهارت و ذوق هنری که برای آفرینش های هنری در سطح عالی لازم است، در میان مردم این کشور از بین نرفته است و در صورتی که مراکز آموزش و حفظ احیای هنرهای سنتی اهتمام ورزند، در تربیت استادان ماهر همت گمارند و در عرضه ی آثار آنان کوتاهی نشود، بدون تردید هنرهای سنتی ایران شخصیت ویژه ی خود را باز خواهند یافت.

انواع هنرهای سنتی

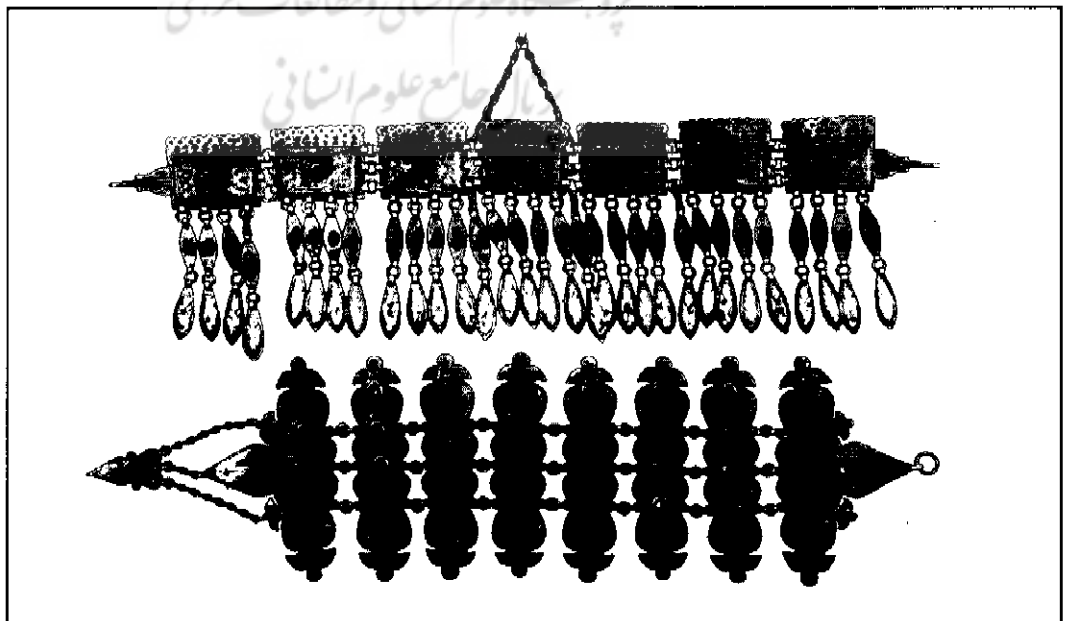
تمامی هنرهای سنتی ایران را می توان در سه گروه اصلی به شرح زیر جای داد:

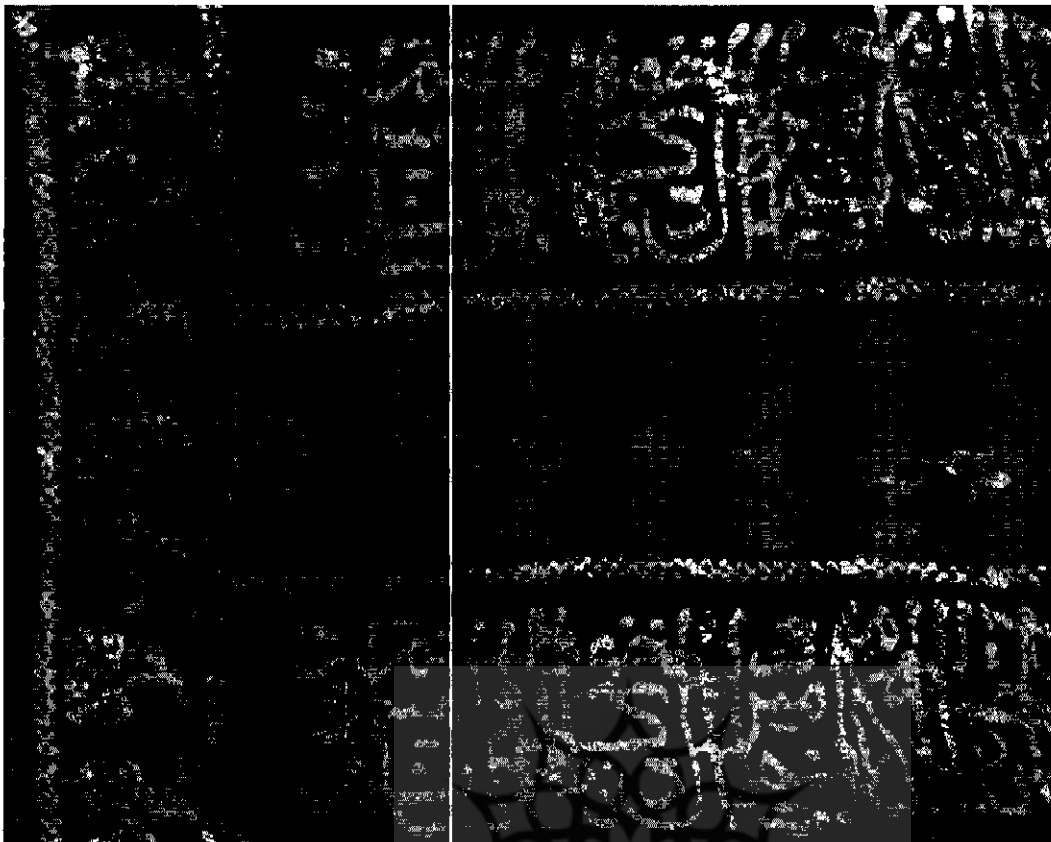
۱. هنری: به دستاوردهایی اطلاق می شود که دارای جنبه ی اصیل و ارزشمند هنری هستند و اغلب آن ها جنبه های کاربردی و مصرفی ندارند؛ مثل هنر مینا، مینیاتور، زری و طلاکوبی روی فولاد.
۲. هنری- کاربردی: هنرهای سنتی این گروه، علاوه بر دارا بودن ارزش های هنری، جنبه های کاربردی و مصرفی نیز دارند؛ نظیر قالی، گلیم، جاجیم، رودوزی ها، دست ساخته های شیشه ای و...

۳. کاربردی: آن دسته از هنرهای سنتی هستند که جنبه ی مصرفی آن ها بیشتر است و اساساً ارزش هنری ناچیزی دارند. گاه نیز اصولاً به عنوان یکی از صنایع دستی کشورمان مصرف فراوان دارند و بهای آن ها نیز اندک است. انواع بافته های میلی، نمک، سفال، لباس های محلی، بوریا و حصیر، و... از این گروه

ویژگی های هنرهای سنتی ایران به شرح زیر خلاصه می شوند:

۱. امکان تداوم در سراسر تاریخ پر فراز و نشیب ایران.
۲. پندآموزی و عبرت پذیری آیندگان.
۳. همبستگی هنرهای سنتی با زندگی انسان ها؛ چرا که کلیه ی وسایل مادی زندگی از بزرگ و کوچک با تزئینات و زیبایی دلغریب توأم بوده اند.
۴. آرایش آثار بی مقدار و رساندن آن ها به مقام والای هنری.
۵. هنری کاربردی بودن. هنرهای سنتی ایران همواره جنبه ی عملی و انتفاعی داشته اند.
۶. پیوستگی تنگاتنگ انواع هنرها با یکدیگر.
۷. ایثار و فروتنی هنرمندان وسیعی در گمنامی و بی نشان ماندن.





به‌شمار می‌آیند.

سوخند، زین‌سازی و نقاشی.

۹. چوب و هنرهای سنتی نظیر: نازک‌کاری، خراطی، معرق روی چوب، منبت‌سازی، مشبک‌سازی و رحل‌سازی.
۱۰. خاتم‌سازی نظیر: معرق، خاتم و خاتم برجسته.
۱۱. دست‌باف‌های سنتی (نساجی سنتی) نظیر: جاجیم‌بافی، زیلوبافی، کیسه‌ی حمام‌بافی، زری‌بافی، پارچه‌های نخ‌ی و پنبه‌ای و پشمی، مرج‌بافی، جادرش‌بافی، ملیله‌بافی، جفا (جفا)بافی، مخمل‌بافی، اپکات، و شال ترمه‌بافی.
۱۲. رنگرزی سنتی.
۱۳. روکاری (رودوزی سنتی) نظیر: سوزن‌دوزی، قلاب‌دوزی، ملیله‌دوزی (سرمه‌دوزی)، گلابتون‌دوزی، نقده‌دوزی، بخارادوزی، سلسله‌دوزی، پته‌دوزی، سکه‌دوزی، پولک‌دوزی، خوس‌دوزی، منجوق‌دوزی، گل‌دوزی، خامه‌دوزی، پیرواردوزی، سوماک‌دوزی، خورجین‌دوزی، چفته‌دوزی و چشمه‌دوزی.
۱۴. ریسندگی سنتی.
۱۵. سازسازی سنتی نظیر: عودسازی، چنگ‌سازی، هم‌چنین، هنرهای سنتی رافارغ از جنبه‌های هنری و کاربردی می‌توان در ۲۴ گروه به شرح زیر طبقه‌بندی کرد:
۱. آینه‌کاری.
۲. بافته‌های میلی و قلابی نظیر: حوراب، دستکش، روسری، شال و کلاه.
۳. بافته‌های داری نظیر: قالی، گلیم دیواری، گوبلن، چته، رویه‌ی پشتی، زیلوی داری.
۴. بوزیابافی نظیر: سبذبافی، خصمیربافی، بامبو، مرواریدبافی، ترکه‌بافی و چم‌بافی.
۵. پاپوش‌سازی سنتی نظیر: گیوه‌سازی و چارق‌دوزی.
۶. جواهرسازی سنتی نظیر: گوشواره‌سازی، گردن‌بندسازی، دستبندسازی، خنخال‌سازی، النگو‌سازی (چوری)، گوهرنشانی، فیروزه‌کوبی، تراش روی سنگ‌های قیمتی، پاویک (آورنجن)، سیندریزسازی و سریندسازی.
۷. چاپ‌های سنتی نظیر: فلمکارسازی، باتیک (کلاغه) و (دندان) چیت‌گری.
۸. چرم‌سازی و پوستین‌دوزی نظیر: پوستین‌دوزی،



۲۰. غروسک‌سازی سنتی نظیر غروسک‌سازی مومی،
پنبه‌ای، پشمی و کاموایی.
۲۱. کاغذ‌سازی سنتی.
۲۲. گچ‌بری نظیر: کنده‌کاری روی گچ، نقاشی روی گچ،
برجسته‌کاری، زران‌دود کاری روی گچ و گچ‌کاری رنگین.
۲۳. نگارگری سنتی نظیر: میناسازی، میناتورسازی،
قلمدان‌سازی (پایه ماشه)، نقاشی روی صدف، نقاشی روی
بوم‌های متفاوت نظیر چرم و استخوان، نقاشی قاب آینه،
تذهیب و تشعیر، و...
۲۴. نمدمالی نظیر: کلاه نمدمالی، کهنک (پالتوسازی)،
نمدمالی زیرانداز و نمدهای یادری.
۱۹. فلزکاری سنتی نظیر: قلم‌زنی، حکاکای روی فلز،
چاقوسازی، قندشکن‌سازی، علم و کتل‌سازی، قفل‌سازی،
طلاکوبی روی فلز، مسگری، مشبک‌کاری، ملیله‌سازی،
نقره‌سازی، طلاسازی و زرگری، برجسته‌کاری روی
فلز، فانوس‌سازی، قلمکاری روی فلز، رنگ‌سازی،
اسطرولاب‌سازی، بازوبند و طلسم‌سازی، ساتورسازی و
نخل‌سازی.
۱۶. سفالگری نظیر: لعاب‌سازی سنتی، سرامیک‌سازی،
کاشی‌سازی، خرهمهره‌سازی، پیکره‌سازی سفالین و انواع
مصنوعات سفالی.
۱۷. سنگ‌تراشی نظیر: مجسمه‌سازی، قاب‌سازی، ابزار و
وسایل سنگی، حکاکای و حجاری روی سنگ (اسکرافیت)،
سنگ مزارسازی و تسبیح‌سازی.
۱۸. شیشه‌گری سنتی نظیر: ساخت شیشه‌های سنتی،
تراشگری شیشه و بلور، نقاشی روی شیشه و شیشه‌های
مینایی.

این تقسیم‌بندی براساس مطالعات این جانب صورت
گرفته است و در صورت دریافت نظرات خوانندگان
محترم که با هنرهای بومی و سنتی زادگاه خود بیشتر
از نگارنده آشنایی دارند، در این تقسیم‌بندی تجدیدنظر
خواهد شد.

امیدوارم در فرصت‌های دیگر بتوانم این هنرها را یکایک
معرفی کنم.